

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه بحث گذشته

بحث در این فرع که کسی پولی را به عنوان خمس یا زکات به دیگری بدهد و شرط کند که با این پول خمس یا زکات باید حج انجام بدهد. این فرع را از جوانب مختلف مورد بحث قرار دادیم. یک جهت دیگر در این فرع باقی مانده و آن این که در فرع قبلی زکات را به عنوان سهم فقیر به یک فقیر می دهند و شرط می کنند که باید حج انجام بدهد بحثش گذشت، اما اگر زکاتی را به کسی بدهند به عنوان این که از سهم «فی سبیل الله» است (که یکی از اصناف در باب مستحقین زکات مسئله عنوان «فی سبیل الله» است)، بعد شرط کنند که حج انجام بدهد، آیا اینجا هم این شرط صحیح است یا صحیح نیست؟

دیدگاه فقیهان درباره «سبیل الله» در زکات

در این که مراد از «سبیل الله» در باب زکات چیست، سه دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول: مراد از «سبیل الله» همان مصالح عامه مسلمین است؛ یعنی آنچه به عنوان یک مصلحت عمومی برای مسلمان هاست، مثلاً مصلحت عمومی مسلمان ها این است که یک جاده داشته باشند، پُل داشته باشند، بناهایی داشته باشند برای عامه مردم.

امام خمینی (قدس سره) هم در تحریر الوسیله و هم در حاشیه عروه نظر شریف شان همین است که «لایبعد أن یکون سبیل الله هو المصالح العامه للمسلمین و الاسلام کبناء القناطر»؛ یک زمانی پُل ساختن خیلی موضوعیت داشته، برخلاف الآن که بسیار راحت شده است، «و ایجاد الطرق و الشوارع و تعمیرهما و ما به یحصل تعظیم الشعائر»؛ زکات را بدهند تا آنچه به عنوان شعائر دین است را تعظیم کنند، «و علوّ کلمة الاسلام»؛ برای اعتلای کلمة الاسلام، برای گرفتن مجلس روضه، برای برپایی سخنرانی، همایش ها، در نظام جمهوری اسلامی راهپیمایی ها، در اینها می شود از زکات استفاده کرد.

«أو دفع الفتن و المفاسد عن حوزة الاسلام»؛ برای دفع فتنه و فساد از حوزه اسلام، «و بین القبیلتين من المسلمین»^[1]؛ دو تا گروه از مسلمان ها، دو تا ده با هم دعوا دارند، یک کسی سفره ای پهن کند از هر دو گروه دعوت کند تا اصلاح کند بین این دو گروه، اینها می شود مصلحت عامه مسلمین و از زکات می شود به عنوان سبیل الله استفاده کرد.

دیدگاه دوم: طبق این دیدگاه، با توجه به قرینه ای که در قرآن در باب جهاد آمده، «سبیل الله» را منحصر کردند که فقط در مسئله جهاد، رزمندگان و دفاع از کیان شهر مسلمین است، آنچه مربوط به جهاد می شود. شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ

طوسی(قدس سرهم) و جمهور علمای عامه اینها گفته اند که سبیل الله مختص به جهاد و مقاتله با اعداء دین و حفظ ثغور المسلمین است.

دیدگاه سوم: «سبیل الله یطلق علی امور القُربیَّة»؛ هر چه انسان به وسیله آن به خدا تقرّب پیدا می کند. مرحوم سید در عروه همین نظر را داشته و می فرماید: «سبیل الله و هو جمیع سبل الخیر»، بعد مثال می زند: «کبناء القناطر و المدارس و المساجد و الخانات و المساجد و تعمیرها و تخلص المؤمنین من ید الظالمین و نحو ذلك من المصالح کاصلاح ذات البیوع».

فرق این قول و قول اول و دوم همین است که اگر زن و شوهری با هم اختلاف دارند اگر شما پولی از زکات می خواهید خرج کنید که این دو نفر را با هم اصلاح کنید، سید(قدس سره) می گوید: از سهم سبیل الله می شود اینجا به عنوان زکات استفاده کرد، اما امام(قدس سره) و همچنین مرحوم والد ما (در حاشیه عروه و هم در شرح تحریرشان) می گویند: نه، باید مصالح عامه مسلمین باشد. لذا اگر یک زن و شوهر، یا دو تا برادر با هم اختلاف کردند شما نمی توانید از زکات به عنوان سبیل الله برای اصلاح اینها استفاده کنید.

مرحوم سید می گوید: «و نحو ذلك من المصالح کاصلاح ذات البین و دفع وقوع الشرور و الفتن بین المسلمین و کذا اعانة الحجاج و الزائرین»؛ مثل آن که کسی را به زیارت مشهد بفرستیم، یک کسی را به حج بفرستیم، «و اکرام العلماء»، از زکات به عنوان سبیل الله بخواهید به یک عالمی بدهید، یا به طلاب شهریه بدهید به عنوان «اکرام المشتغلین»، کاری نداریم که فقیر است یا نیست، کاری نداریم که عادل است یا نیست، از زکات به عنوان «اکرام المشتغلین» (یعنی مشتغل به تحصیل در علوم) بدهیم، یا به کارگری است که کار می کند ولو فقیر هم نباشد به این عنوان بدهیم، «مع عدم تمکنه من الحج و الزیارة و الاشتغال و نحوها من اموالهم».

بعد سید(قدس سره) می فرماید: «بل الاقوی جواز دفع هذا السهم فی کل قُربیَّة»؛ از زکات می شود برای هر چیزی داد که موجب تقرب الی الله باشد، «مع عدم تمکن المدفوع إلیه من فعلها بغیر الزکاة»؛ اول می فرماید در صورتی که کسی که این زکات را می گیرد از راه غیر این زکات راه دیگری برای تمکن نداشته باشد، «بل مع تمکنه ایضاً»؛ بلکه اگر تمکن هم دارد ولی آنچه سبب می شود این فعل را انجام بدهد پول زکات است، می گوید من پول دارم ولی از پول خودم این کار خیر را انجام نمی دهم این زیارت را نمی روم، باید زکات بدهیم تا به زیارت برود این هم مانعی ندارد. بنابراین مرحوم سید «سبیل الله» را بسیار گسترده معنا می کند، از حاشیه مرحوم خوئی بر عروه استفاده می شود که ایشان مسئله مصالح عامه را در باب زکات مطرح می کنند.

بنابراین در این که از سهم سبیل الله می شود زکات داد یا نه؟ سه مسلک وجود دارد:

1. مسلک مرحوم امام و مرحوم خوئی و مرحوم والد ما(قدس سرهم) است که باید صرف مصالح عامه بشود،

2. یکی هم مسلک شیخ صدوق، شیخ مفید و شیخ طوسی(قدس سرهم) است که فقط باید خرج مجاهدین بشود،

3. مسلک سوم هم مسلک مرحوم سید است که دایره اش بسیار گسترده است.

نکته ای که اینجا وجود دارد آن است که ما الآن نمی خواهیم وارد این بحث بشویم و بگوییم آیا نظر سید درست است یا نه؟ (هرچند با یک دقتی در مسئله و در ادله نظر سید تمام است؛ یعنی ادله اطلاق دارد، بعضی از فقها ادعای اجماع کردند)، ولی مهم در اینجا آن است که بر حسب برخی از روایات صحیحیه از زکات به عنوان سبیل الله می توانیم پول بدهیم به یک کسی که بگوئیم حج برود یا او را همراه خودمان در حج ببرد.

روایت اول: صحیحہ علی بن یقطین

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَظْطِينٍ أَنَّهُ قَالَ لِأَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ (عليه السلام) يَكُونُ عِنْدِي الْمَالُ مِنَ الزَّكَاةِ أَفَأُحِجُّ بِهِ مَوَالِيَّ وَ أَقَارِبِي قَالَ نَعَمْ لَا بَأْسَ.^[2]

راوی به امام کاظم (علیه السلام) عرض می‌کند: من یک مقدار مال زکات دارم آیا می‌توانم این موالی و اقارب خودم (یعنی نزدیکانم) را با این مال زکات به حج ببرم؟ حضرت می‌فرماید: بله، اشکالی ندارد. در این روایت درست است که کلمه «سبیل الله» نیامده ولی امام (علیه السلام) می‌فرماید: از زکات می‌شود این کار را کرد، قدر متیقنش عنوان «سبیل الله» است؛ زیرا عناوین دیگر اینجا وجود ندارد، همان‌طور که اقارب هرچند ممکن است فقیر هم نباشند من می‌خواهم آنها را با خودم به حج ببرم. البته موالی فقیرند علی القاعده، ولی در اقارب فقیر و غیر فقیر وجود دارد، تازه در فقیرش هم به اندازه سهم سبیل الله می‌شود.

روایت دوم: صحیحہ جمیل بن درّاج

مُحَمَّدُ بْنُ إِدْرِيسَ فِي آخِرِ السَّرَائِرِ نَقْلًا مِنْ نَوَادِرِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّرُورَةِ أَ يُحِجُّهُ الرَّجُلُ مِنَ الزَّكَاةِ قَالَ نَعَمْ.^[3]

جمیل از امام صادق (علیه السلام) می‌پرسد: آیا می‌توان با زکات ضروره (یعنی کسی که تا حالا حج نرفته) را به حج فرستاد؟ حضرت فرمود: بله. بالأخره یکی از موارد مصرف زکات «سبیل الله» است.

دیدگاه والد معظم (قدس سره)

مرحوم والد ما در این فرع می‌فرماید: روی دو مبنا صحبت کنیم:

1. یکی روی این مبنای که بگوئیم «سبیل الله» توسعه دارد و اختصاص به مصالح عامه ندارد.

2. یک مبنا این است که بگوئیم اختصاص به مصالح عامه دارد.

بعد می‌فرماید: اگر گفتیم زکات یکی از موارد سبیل الله است و سبیل الله را مثل مرحوم سید معنا کرده و بگوئیم اختصاص به مصالح عامه ندارد، در نتیجه اگر گفتیم این شخص ولایت بر این شرط دارد اینجا این شرط صحیح است.

مرحوم سید می‌فرمود: در خمس و زکاتی که از سهم فقر است، اگر شرط کرد با این پول خمس و زکات حج برو، این شرط صحیح است، اما امام خمینی (قدس سره)، مرحوم خوئی، مرحوم حکیم، مرحوم والد ما و خود ما می‌گوئیم که این شرط لغو و باطل است. اینها دو دلیل داشتند، اما یک دلیل که مورد اتفاق همه است و مناقشه‌اش در آن نبود اینکه این ولایت بر چنین شرطی ندارد.

به مرحوم سید می‌گوئیم شما که می‌گوئید شرط صحیح است دلیلتان چیست؟ پول خمس را می‌دهد که باید بدهد، زکات است که باید به فقیر بدهد، به چه دلیل می‌تواند شرط کند که به حج برود؟ آیا سید(قدس سره) می‌خواهد در مقابل دیگران بگوید این ولایت بر این شرط دارد یا نه، بگوئیم لازم نیست ولایت بر این شرط، ما این شرط را باید تصحیح کنیم. اگر این شرط صحیح شد ولو ولایت بر این شرط هم نداشته باشد. مثلاً یک کسی در مسجد برای نماز یک جایی برای خودش گرفته و حقی پیدا کرده این حق این است که کسی نمی‌تواند او را از اینجا بلند کند و بگوید از اینجا بلند شو! حق انتفاع اوست و نه حق منفعت. حال اگر کسی بگوید: من از اینجا بلند می‌شوم به شرطی که شما صد تا صلوات بفرستید، ولایت بر این شرط ندارد.

شاید مرحوم سید می‌خواهد بفرماید: لازم نیست ولایت بر شرط داشته باشد، بلکه همین اندازه که «المؤمنون عند شروطهم» که یک شرط مخالف با کتاب و سنت نباشد؛ یعنی شرطی که «حَرَمٌ حَالاً و حَلٌّ حَرَاماً» نباشد، اگر طرفین قبول کردند مانعی ندارد. مرحوم سید می‌گوید: در باب اشتراط لازم نیست ولایت بر شرط داشته باشد، باید یک شرطی باشد که مخالف کتاب و سنت نباشد و مشمول «المؤمنون عند شروطهم» بشود، نه مالک عین اینجا است که مسجد است، نه مالک منفعت اینجا است، این فقط مالک انتفاع است و حق الانتفاع یعنی مادامی که اینجا نشسته حق دارد بنشیند و نباید بلند شود، حال اگر بگوید من از اینجا بلند می‌شوم به شرطی شما اینجا بنشین، این وقتی بلند شد این باری هر کسی است که زودتر بنشیند و او ولایت بر این شرط ندارد.^[4]

بنابراین اگر مثلاً زکات را به فقیر داده و بگوئید فقط با آن غذا بخور، آن هم این نوع غذا را بخور، این شرط باطل است و همه می‌گویند باطل است. شاید مرحوم سید که می‌گوید در آن شرط لازم نیست دلالت بر شرط، فقط آنچه لازم است این است که شرط صحیح باشد؛ یعنی مشمول «المؤمنون عند شروطهم» بشود و مخالف با کتاب و سنت نباشد، اینجا همین‌طور است، یک چنین شرطی کرده، درست است ولایت بر این شرط ندارد اما می‌گوید چه لزومی دارد که ولایت بر این شرط داشته باشد؟!

بنابراین باید دید وجه این‌که مرحوم سید می‌گوید این شرط صحیح است چیست؟! ظاهر آن است که مرحوم سید می‌خواهد بگوید بر شرط، ولایت لازم نیست و همین مقدار که مشمول «المؤمنون عند شروطهم» بشود کافی است و چیزی مشمول «المؤمنون عند شروطهم» می‌شود که «احلٌ حراماً و حَرَمٌ حَالاً» نباشد.

جمع‌بندی بحث و دیدگاه برگزیده

مرحوم والد ما می‌فرماید: اگر ما زکات فی سبیل الله را منحصر به مصالح عامه ندانیم عین بحث سابق می‌شود؛ یعنی بگوئیم اگر ولایت بر این شرط دارد این شرط صحیح است، اگر ندارد باطل است. به بیان دیگر، کسانی که آنجا شرط را باطل می‌دانند اینجا هم شرط را باطل می‌دانند، کسانی که مثل سید(قدس سره) شرط را صحیح می‌دانند اینجا هم صحیح می‌دانند، ما آنجا شرط را باطل دانستیم و گفتیم شرط باطل است پس شرط در اینجا اصلاً لغو می‌شود.

بنابراین طبق این مبنا که اگر شرط صحیح باشد امام خمینی(قدس سره) و مرحوم والد ما فرمودند قبول واجب است، اما به نظر ما اگر شرط هم صحیح باشد باز قبول واجب نیست؛ یعنی اگر گفتیم شرط این‌که زکات را می‌دهیم تا از سهم فی سبیل الله حج بروی، اگر این شرط هم صحیح باشد گفتیم قبولش می‌شود اکتساب و تحصیل استطاعت و صحیح نیست. اگر گفتیم زکات فی سبیل الله فقط در دایره مصالح است، در اینجا این شرط باطل است.

یعنی مرحوم سید اینجا مسئله‌شان با مرحوم امام جدا می‌شود، سید(قدس سره) می‌گوید: چون زکات فی سبیل الله مطلق سبیل خیر است و مطلق قُرَبات است این شرط صحیح است، اما مرحوم امام می‌فرماید: زکات فی سبیل الله، فقط مصالح عامه

است و از این جهت این شرط باطل است و اینجا دیگر بحث ولایت نیست، امام (قدس سره) می فرماید: سبیل الله فقط باید در مصارف و مصالح عامه صرف بشود و این که یک نفر حج برود مصلحت عامه نیست. خلاصه آن که، در اینجا مرحوم سید طبق این مبنا که سبیل الله مطلق قربات است این شرط صحیح است، اما طبق مبنای امام خمینی (قدس سره)، مرحوم خوئی و مرحوم والد ما این شرط باطل است.

ارزیابی دیدگاه والد معظم (قدس سره)

مرحوم والد ما در اینجا مسئله را روی این دو مبنا بردند که: «إن قلنا بجواز صرف الزكاة في مطلق القربات»، شرط صحیح است و «إن قلنا باختصاص الزكاة» فقط در مصالح عامه نتیجه این است.^[15] اشکال این سخن آن است که با توجه به اینکه روایات سبیل الله را در مورد حج آورده، اصلاً یک روایتی هست که حسین بن عمر می گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم یک مردی می خواسته از دنیا برود به وصی اش گفته این مال را فی سبیل الله صرف کن، حال وصی با این مال چه کند؟ حضرت می فرمایند: در حج صرف کن، دوباره می گوید: او گفته فی سبیل الله، باز حضرت دوباره فرمود: در حج صرف کن، بعد حضرت فرمود: «إني لا أعلم سبيلاً من سبله أفضل من الحج»^[16]، من سبیلی از سبل خداوند را افضل از حج نمی دانم.

البته نمی خواهد بگوید که حتماً همین طور است؛ چون ائمه (علیهم السلام) فرمودند ما هر چه می گوئیم در قرآن هم هست، بعید نیست که «لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا»^[17]، چون ما استعمال لفظ در اکثر معنا را هم جایز می دانیم و هم می گوئیم در قرآن هم واقع شده است؛ یعنی ممکن است خدای تبارک و تعالی از این «سَبِيلًا» هم سبیل لغوی را اراده کرده (یعنی راه) و هم سبیل الهی را اراده کرده باشد. لذا بعید هم نیست این روایتی که امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «إني لا أعلم سبيلاً من سبله أفضل من الحج» نباید مسائل مصالح عامه را مطرح کنیم. البته بحثش باید در کتاب الزكاة و کتاب الوصیه مطرح بشود، کتاب الحج هم مثل بحث کتاب البیعه است که با خیلی از ابواب فقهی ارتباط دارد.

بنابراین اشکال ما بر مرحوم والدمان آن است که در اینجا نباید مسئله را معلق کنیم بر این که آیا می توان زکات فی سبیل الله را در غیر مصالح عامه استفاده کرد یا این که نمی توان این کار را انجام داد؟ زیرا در مسئله حج متیقن است که سهم سبیل الله زکات را می شود به یک نفر بدهیم و به حج برود هر چند ارتباطی به مصلحت عامه هم نداشته باشد، این بر حسب روایاتی که هست. بحث کامل تر در باب زکات باید بررسی شود. در ابواب مستحقین زکات هم دارد «على الامام أن يعطيهم من مال الصدقات (یعنی زکات)»، بعد داریم برای این که اینها قوی بشوند در حج و جهاد، حج را هم در روایت دارد.

بنابراین مسئله حج روشن بوده و لذا اینجا دیگر بحث ولایت نیست، این شرط در اینجا در باب زکات فی سبیل الله مسلم صحیح است، به خاطر نصوص خاصه ای که در این مورد داریم، منتهی به نظر ما قبولش واجب نیست؛ چون تحصیل استطاعت می شود و طبق نظر دیگران که این تحصیل استطاعت نیست (مثل امام خمینی (قدس سره) مرحوم والد ما)، اگر این شرط صحیح باشد باید قبول کند و حجش هم انجام بدهد، منتهی آیا اگر این حج را انجام داد حجة الاسلام است یا نه؟ که در جلسه آینده بررسی خواهیم نمود.

و صَلَّى الله على محمد و آله الطاهرين

[1] «السابع- في سبيل الله، و لا يبعد أن يكون هو المصالح العامة للمسلمين و الإسلام، كبناء القناطر و إيجاد الطرق و الشوارع و تعميرها، و ما يحصل به تعظيم الشعائر و علو كلمة الإسلام، أو دفع الفتن و المفاصد عن حوزة الإسلام و بين القبيلتين من المسلمين و أشباه ذلك، لا مطلق القربات كالإصلاح بين الزوجين و الولد و الوالد.» تحرير الوسيلة؛ ج 1، ص: 338.

[2] الفقيه 2- 35- 1633؛ وسائل الشیعة؛ ج 9، ص: 290، ح 12045- 1.

[3] □ مستطرفات السرائر - 33-35؛ مسائل علي بن جعفر - 143-168؛ وسائل الشيعة؛ ج9، ص: 291، ح12048-4.

[4] □ «لو أعطاه ما يكفيه للحج خمسا أو زكاة و شرط عليه أن يحج به فالظاهر الصحة و وجوب الحج عليه إذا كان فقيرا أو كانت الزكاة من سهم سبيل الله.» العروة الوثقى (للسيد اليزدي)؛ ج2، ص: 446، مسأله 39.

[5] □ ر.ك: تفصيل الشريعة في شرح تحرير الوسيلة - الحج، ج1، ص: 195-194.

[6] □ «و عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) إِنَّ رَجُلًا أَوْصَى إِلَيَّ بِمَالٍ فِي السَّبِيلِ فَقَالَ لِي اصْرِفْهُ فِي الْحَجِّ قُلْتُ أَوْصَى إِلَيَّ فِي السَّبِيلِ قَالَ اصْرِفْهُ فِي الْحَجِّ فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ سَبِيلًا مِنْ سُبُلِهِ أَفْضَلَ مِنَ الْحَجِّ.»
الفقيه 4-206-5479؛ معاني الأخبار - 167-2؛ الكافي 7-15-5؛ التهذيب 9-203-809؛ وسائل الشيعة؛ ج19، ص: 339،

ح24725-2

[7] □ [سوره آل عمران، آیه 97.](#)